

چند چیز است که متناهی نیست اما از روی او از جهت کثرت نوبت
این کرده که تو کسی گفت من با سلام و ایمنی با سدا و تیرا
که در قرآن مکتور است و خارج خواهد شد در آخر زمان و عذاب
خواهد کرد و بجهت بی مومنان بعد از ایمان در بجهت کافران بعد از
چیزی که نیست عبد الله برین و برین عاصی گفت جاسرین چه نام
درین چه ریسب این که در وقت است با جبار شامی چه نام
که چون نام گرفت بر دمایان ثابت شد که این شیطان است
گفت تمیلهای که رفتیم میان شما تا آنکه داخل شدیم
پس اینجا انشا بود که نیرین بودیم طویل الان که در سبدا پیش
نیریم هیچ نماند پس را اشد از که در قید که جمع کرده بودند
دی با کردن و دمایین کجیب می تا کعب و با آهن یعنی از
سلسله و انحال یعنی کردن دستها و با ناو که تا ناکرده
کیدی گفت آن مرد و قید بود که قاهر شد که انجاریسی نام

بنی

پس در سبدا ما که شما کجیب است پس در اندام کرده که مایان
چند کسانیم از عرب کطفیان با کوشتی ما انجاریسی نید پلتان
کردیم یک بار که کاشاره کرد سبدا و پس پییم پلکت افرد
مقیض خبر دهب مرا که از نخل میا چون و بیان قریه است در شما
که عرض قریه است آیا یاری کرد گفت تمیم داری گفت میا
آری یاری کرد گفت آن مرد قریه است که ما نخواستند آورد
و با گرفت آن مرد مقیض خبر دهب ما را از دریا طایره و طایره
بهر بارون آیا در چشم کب است و این آب مردمان را
می کشد از آب و با گرفت آن مرد مقیض خبر دهب مرا از بی
چگونه است گفت میا یان که خارج شده است نجات آن زنگ
در زول فرمود بر شمشیر ای شمشیر نام نیرین مطهر بود بر سبدا
ایا که قتل کردند عرب با ان بی کیفیت میا یان آن قتل کردند
سوال کرد آن مرد مقیض که چه کرد ان بی با ایشان پس فریاد

کتابت شده است

تاریخ